فصلنامه علمی
پژوهش‌های اعتقادی ـ کلامی
سال شانزدهم/ شماره۶۴/ زمستان ۱۴۰۵

The Quarterly Journal of
Theological - Doctrinal Research
16 th Year/ No: 64/ Winter 2027

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۷۳ - ۵۵

جایگاه نظام اخلاقی در تمدن پژوهی مهدویت

مریم جواهرفروش‌زاده [۱]
رضا باقی زاده پلانی [۲]
حجت اله مرزانی [۳]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تبیین نقش آموزه‌های اخلاقی مهدویت در روند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی انجام گرفته است. مهدویت، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین آموزه‌های اعتقادی در فرهنگ شیعی، نه‌فقط مفهومی آخرالزمانی، بلکه الگویی فعال و تمدن‌ساز در بستر تاریخ و جامعه معاصر محسوب می‌شود. در این پژوهش تلاش شد تا با رویکردی توصیفی-تحلیلی، پیوند منطقی میان سه مؤلفه اصلی یعنی اخلاق، مهدویت و تمدن اسلامی روشن شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که آموزه‌های اخلاقی در مهدویت نه‌تنها بر فرد منتظر اثرگذار است، بلکه نقش اساسی در تربیت جامعه‌ای عدالت‌محور، معنوی و مسئولیت‌پذیر دارد. فرهنگ انتظار در نگاه اصیل اسلامی، زمینه‌ساز خودسازی فردی و اصلاح اجتماعی است و در نهایت به تحقق جامعه‌ای آرمانی و تمدن‌ساز منتهی می‌شود. در این مسیر، شاخصه‌هایی همچون صداقت، عدالت، تواضع، صبر و ایثار از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی منتظران واقعی به‌شمار می‌روند. از سوی دیگر، آموزه‌های قرآنی و روایی نیز نشان می‌دهند که ظهور امام مهدی(عج) با اوج‌گیری اخلاق و عدل الهی در سراسر زمین همراه است. لذا تمدن نوین اسلامی، در نقطه اوج خود با ظهور حضرت ولی عصر(عج) و استقرار حکومت جهانی عدل الهی تحقق می‌یابد. در نهایت، این پژوهش نتیجه می‌گیرد که تربیت انسان منتظر و اخلاق‌مدار، شرط اساسی برای زمینه‌سازی ظهور و تحقق تمدن اسلامی است و باید مورد توجه نهادهای آموزشی، فرهنگی و دینی قرار گیرد.

واژگان کلیدی

مهدویت، اخلاق، تمدن نوین اسلامی، انتظار، جامعه آرمانی، عدالت جهانی.

---

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
Email: Javaherforooshzadeh@iau.ac.ir
۲. دانشیار، گروه معارف اسلامی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: baghizadeh@iau.ac.ir
۳. استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.
Email: hojat.marzani@iau.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۵/۳ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۷/۲۷

طرح مسأله

تمدن اسلامی، در بطن خود، برخاسته از مفاهیم عالی اخلاقی، آموزه‌های وحیانی و هدایت انبیا و اولیای الهی است. قرآن کریم، به‌عنوان اساسی‌ترین منبع هدایت بشر، با تأکید بر عدالت، احسان و ارزش‌های فطری انسانی، مسیر سعادت جمعی و تمدن‌ساز را ترسیم می‌کند (مطهری، ۱۳۸۶). چنان‌که خداوند متعال در آیه ۹۰ سوره نحل می‌فرماید: «**إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالإِحْسَانِ**...»، که این آیه گویاترین منشور اخلاقی در مدیریت جامعه و زیست فردی و اجتماعی است (قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۹۰).

در میان آموزه‌های اسلامی، اندیشه مهدویت به‌عنوان افق بلند تحقق عدالت جهانی و تمدن نهایی بشر، جایگاه والایی دارد. مهدویت، نه صرفاً نگاهی به آینده‌ای دور، بلکه تبلور امید تاریخی و فطری انسان‌ها به جهانی سراسر عدل، حکمت، و معنویت است (حسینی، ۱۳۹۴). تمدن مهدوی، تمدنی است که بر پایه نظام اخلاقی ناب بنا شده و اصول آن در سیره پیامبر اسلام(ص) و امامان معصوم(ع) به‌ویژه حضرت ولی‌عصر(عج) تجلی یافته است (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

پرسش‌های اساسی بشر نظیر «از کجا آمده‌ایم»، «چرا آمده‌ایم» و «به کجا خواهیم رفت»، همگی در دل آموزه‌های مهدوی قابل پاسخ‌اند، و این پاسخ‌ها بر مبنای فطرت انسانی، هدایت الهی و عقلانیت دینی ارائه می‌شوند (سروش محلاتی، ۱۳۹۷). انسان، موجودی است که همواره در پی عدالت، امنیت، معنا و کمال است، و نظام اخلاقی اسلام با تأکید بر خودسازی، عدالت‌ورزی، کرامت انسانی و مسؤولیت اجتماعی، این نیازها را در قالب تمدنی الهی پاسخ می‌دهد (رجبی دوانی، ۱۳۹۱).

مقاله پیش‌رو می‌کوشد با تبیین جایگاه نظام اخلاقی در منظومه فکری مهدویت، نشان دهد که چگونه اخلاق اسلامی می‌تواند زیربنای تمدن جهانی مهدوی قرار گیرد؛ تمدنی که هدف نهایی آن، برقراری عدالت فراگیر، زدودن ظلم و فساد، و رساندن انسان به اوج تعالی فردی و اجتماعی است.

مفهوم‌شناسی

یکی از ارکان بنیادین قوام جامعه انسانی، نظام اخلاقی برگرفته از وحی و عقلانیت دینی است. در آیه شریفه ۹۰ سوره نحل، خداوند متعال به شش اصل اخلاقی اشاره می فرماید: عدل، احسان، ایتای ذی‌القربی و در مقابل، نهی از فحشاء، منکر و بغی (قرآن کریم، نحل: ۹۰). این سه‌گانه نخست، اساس قوام و پایداری جامعه بشری را تشکیل می‌دهند، به ویژه عدالت که از صفات فعل پروردگار و از اسماء حسنی الهی به شمار می‌آید (طباطبایی، ۱۴۰۳ق). چنان‌که در حدیثی از پیامبر اکرم(ص) آمده است: «**بِالعَدلِ قامَتِ السَماواتُ و الأرضُ**»؛ به سبب عدالت خداوند است که آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست پابرجا مانده‌اند (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶).

این نکته یادآور آن است که هرگاه یکی از ارکان حیات اجتماعی دچار افراط یا تفریط شود، نظام گسترده خلقت و جامعه دچار اختلال خواهد شد (مطهری، ۱۳۸۶). در این میان، نظام اخلاقی، نقش تنظیم‌کننده‌ی رفتار فردی و اجتماعی را ایفا می‌کند؛ اخلاق در اصل واژه‌ای عربی و ریشه آن «خُلُق» یا «خَلْق» است که به معنای سرشت و ویژگی‌های نفسانی به کار می‌رود. اخلاق، هم شامل صفات پسندیده (فضایل) و هم صفات ناپسند (رذایل) می‌شود که در قالب افعال اختیاری انسان بروز می‌یابد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰).

علم اخلاق، ناظر به آن است که انسان چگونه باید رفتار کند، نه آنکه چگونه رفتار می‌کند. بر این اساس، وحی الهی مطمئن‌ترین منبع برای دستیابی به نظام اخلاقی مطلوب است، به‌ویژه در مکتب اسلام که کامل‌ترین نسخه حیات طیبه را ارائه می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

در عصر حاضر، ارائه تصویر روشنی از منظومه مهدویت، به‌ویژه در بُعد اخلاقی، ضرورتی انکارناپذیر است. آموزه‌های مهدوی، در راستای تحقق جامعه‌ای اخلاق‌محور و عدالت‌گستر طراحی شده‌اند. از امام زمان(عج) به عنوان «مظهر اتمّ اخلاق الهی» یاد شده که یاران ایشان نیز در تراز اخلاقی بالایی قرار دارند (رجبی دوانی، ۱۳۹۱). در همین راستا، آیه شریفه «**اعلموا أن الله یحیی الأرض بعد موتها قد بینا لکم الآیات لعلکم تعقلون**» (قرآن کریم، حدید: ۱۷) نیز به معنای حیات‌بخشی الهی و احیای معنوی در عصر ظهور اشاره دارد.

در آستانه ظهور، مسؤولیت سنگینی بر دوش منتظران امام زمان(عج) نهاده شده است؛ آنان باید در میان طوفان ناهنجاری‌ها و تهاجم فرهنگی، خویشتن‌دار باشند و در مسیر تزکیه نفس و تهذیب اخلاق گام بردارند (سروش محلاتی، ۱۳۹۷). در اندیشه شیعه دوازده‌امامی، مهدویت از ارکان مهم اعتقادی است. بنابر این باور، امام دوازدهم، حضرت حجت بن الحسن(عج)، از نسل پیامبر(ص) و نهمین فرزند امام حسین(ع) است که در سال ۲۵۵ هجری به دنیا آمده و پس از دوره غیبت، با ظهور خود برقراری صلح، عدالت و تحقق تمدن نهایی اسلامی را رقم خواهد زد (شیخ صدوق، ۱۴۱۶ق).

اعتقاد به مهدی موعود، نه صرفاً باوری آینده‌نگر، بلکه تجلی روح عدالت‌طلبی و معنویت‌گرایی فطری بشر است که ریشه در متون صریح دینی دارد. بسیاری از آیات قرآن، همچون آیه ۱۰۵ سوره انبیاء، آیه ۵ سوره قصص، و آیه ۵۵ سوره نور، از منظر مفسران، به ظهور و حکومت عدل‌محور امام مهدی(عج) تفسیر شده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲).

در مجموع، مهدویت، مفهومی پویا در اندیشه اسلامی است که نقش بنیادین نظام اخلاقی را در تحقق تمدن مهدوی به‌خوبی نمایان می‌سازد..

مهدویت

مهدویت به‌عنوان یکی از ارکان اندیشه دینی در اسلام، به‌ویژه در مذهب شیعه دوازده امامی، جایگاهی بنیادین دارد و نقشی راهبردی در ترسیم آینده مطلوب جامعه انسانی ایفا می‌کند. این آموزه، ریشه در آیات قرآن، احادیث نبوی و سنت امامان معصوم دارد و مبتنی بر اعتقاد به ظهور منجی موعود برای برپایی عدالت جهانی، محو ظلم و فساد، و تحقق وعده‌های الهی است (جوادی آملی، ۱۳۹۱).

واژه «مهدویت» از ریشه «هدی» به معنای هدایت گرفته شده و در اصطلاح به مجموعه باورها، آموزه‌ها و انتظاراتی اطلاق می‌شود که به ظهور امام مهدی(عجل‌الله‌تعالی‌فرجه)، دوازدهمین امام از نسل امام حسین(ع) مرتبط است. بنابر روایات، آن حضرت در سال ۲۵۵ هجری قمری در سامرا دیده به جهان گشود و پس از شهادت پدرش، امام حسن عسکری(ع)، به امامت رسید و غیبت صغری و سپس غیبت کبری آغاز شد (مطهری، ۱۳۸۹).

از دیدگاه شیعه، غیبت امام به‌معنای انقطاع ارتباط نیست، بلکه نوعی آزمون تاریخی برای امت است که در آن، انسان‌ها باید با حفظ ایمان، عمل صالح و مبارزه با ظلم، زمینه ساز ظهور باشند. این نگرش، برخلاف نگاه‌های آخرالزمانی منفعلی، مبتنی بر انتظار فعال است؛ بدین معنا که منتظر حقیقی کسی است که با تلاش، اصلاح فردی و اجتماعی، بسترساز ظهور شود (شاکری، ۱۳۹۷).

مهدویت در قرآن نیز ریشه دارد. آیاتی چون ﴿**وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ**﴾ (الأنبیاء: ۱۰۵) و ﴿**وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُواْ مِنكُمْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُم فِي الأَرْضِ**﴾ (النور: ۵۵) به تحقق وعده الهی برای حاکمیت صالحان و تحقق حکومت عدل جهانی اشاره دارد که یکی از مبانی قرآنی مهدویت محسوب می‌شود (سبحانی، ۱۳۹۳).

یکی از مهم‌ترین مبانی کلامی مهدویت، سنت استمرار حجت الهی بر زمین است؛ از نگاه شیعه، زمین هیچ‌گاه از حجت الهی خالی نمی‌ماند، اگرچه این حجت در پس پرده غیبت باشد. امام صادق(ع) فرمودند: «اگر زمین لحظه‌ای از حجت خدا خالی باشد، اهلش را در خود فرو می‌برد» (کلینی، ۱۴۰۷ق). این اصل کلامی، حضور پیوسته امام را لازمه بقای هستی می‌داند و غیبت را به‌معنای فقدان وجودی امام نمی‌گیرد، بلکه به‌معنای غیبت ظاهری است.

از سوی دیگر، آموزه مهدویت در تمدن‌سازی اسلامی نیز نقشی کلیدی ایفا می‌کند. تمدن اسلامی، در نقطه آغاز خود از مدینۀالنبی و تمدن نبوی الهام گرفته و در جهت‌گیری نهایی خود، در مسیر تمدن مهدوی قرار دارد. این پیوستار تاریخی، نشانگر آن است که ظهور امام زمان(عج)، نه صرفاً یک رویداد آخرالزمانی، بلکه حلقه تکاملی تمدن الهی است (سروش محلاتی، ۱۴۰۱).

در نهایت، می‌توان گفت که مهدویت، صرفاً یک آموزه اعتقادی نیست، بلکه مبنایی برای تحول تاریخی، تمدن‌سازی، عدالت‌گستری و هدایت اجتماعی در مقیاس جهانی است. در پرتو این آموزه، انتظار تبدیل به یک مسئولیت تاریخی می‌شود؛ مسئولیتی که بر عهده هر مسلمان است تا برای تحقق عدالت جهانی در بستر ایمان و تلاش

اجتماعی، نقش‌آفرینی کند.

ویژگی های تمدن های اسلامی

تمدن اسلامی، برخاسته از آموزه‌های وحیانی و الهی اسلام، واجد ویژگی‌هایی منحصر به‌فرد است که آن را از سایر الگوهای تمدنی متمایز می‌سازد. اگر جوامع اسلامی بتوانند با تکیه بر تعالیم اصیل دینی، به بازتولید تمدن اسلامی بپردازند، این تمدن دارای دو ویژگی کلیدی خواهد بود:

الف) اصالت و ریشه‌داری

اولین ویژگی تمدن اسلامی، اصالت و پیوند عمیق آن با منبع وحی و خداوند متعال است. این وابستگی معرفتی و اعتقادی، به تمدن اسلامی حجیت، مشروعیت و عمق می‌بخشد و آن را در زمره تمدن‌هایی قرار می‌دهد که نه‌تنها متکی بر عقلانیت انسانی، بلکه برگرفته از هدایت الهی‌اند (مطهری، ۱۳۸۹؛ سبحانی، ۱۳۹۳). چنین تمدنی به‌جهت ارتباط مستقیم با قرآن و سنت نبوی، از مشروعیت دینی و اعتبار لازم برخوردار بوده و در بُعد گستردگی و بالندگی نیز می‌تواند حتی از تمدن پیشین اسلامی در قرون طلایی اسلام موفق‌تر عمل کند.

ب) قابلیت شکل‌گیری در عصر غیبت

دومین ویژگی تمدن اسلامی این است که قابلیت تحقق تدریجی آن در عصر غیبت نیز وجود دارد. این دوران، بازه‌ای میان دو ظهور تاریخی است: ظهور نخستین معصومین (علیهم‌السلام) که با بعثت نبی مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آغاز و با عصر حضور امامان شیعه ادامه یافت، و ظهور نهایی و جهانی حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) که در پایان تاریخ به اوج خواهد رسید (جوادی آملی، ۱۳۹۱). در این برهه میانی، یعنی عصر غیبت، امت اسلامی مأمور به زمینه‌سازی برای ظهور و تحقق تمدن مهدوی هستند.

تمدنی که در این فاصله تاریخی شکل می‌گیرد، ریشه در «مدینۀالنبی» و ساختار تمدن نبوی دارد و جهت‌گیری نهایی آن نیز به سمت تحقق تمدن نهایی و جهانی مهدوی است. آغاز تمدن اسلامی با بعثت پیامبر اکرم (ص) بود، و شخص ایشان بنیان‌گذار و رهبر این

حرکت تمدنی به‌شمار می‌رفت. مدینۀالنبی پایتخت این تمدن و مسجدالنبی مرکز فرماندهی آن بود، جایی که اصول سیاست، فرهنگ، اقتصاد و اخلاق در پرتو وحی مدیریت می‌شد (نصر، ۲۰۰۶؛ سروش محلاتی، ۱۴۰۱).

اگرچه در طول تاریخ اسلام انحرافاتی روی داد که مانع تحقق کامل آن الگوی تمدنی شد، اما همچنان ظرفیت‌های تمدن‌ساز اسلام زنده‌اند و در دوران غیبت می‌توانند احیا و بازتولید شوند، به‌شرط آن‌که امت اسلامی آگاهانه، هوشمندانه و با پیروی از امامان راستین، در این مسیر گام بردارند.

نقش اخلاق در شکل‌گیری جامعه مهدوی

اخلاق اسلامی، یکی از اساسی‌ترین بنیان‌های تربیتی و اجتماعی در نگاه دین اسلام است که نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری جامعه مطلوب، به‌ویژه در افق جامعه مهدوی ایفا می‌کند. جامعه‌ای که در انتظار ظهور منجی موعود، حضرت ولی‌عصر(عجل‌الله‌تعالی فرجه) است، باید با آمادگی روحی و اخلاقی، پذیرای عدالت جهانی و تمدن نوین اسلامی باشد. این آمادگی تنها از مسیر تهذیب نفس، التزام به اخلاق دینی و خودسازی فردی و جمعی میسر خواهد بود (مطهری، ۱۳۸۹).

جامعه مهدوی، در نگاه آموزه‌های دینی، جامعه‌ای است که در آن عدالت، توحید، کرامت انسان، محبت، صداقت، وفاداری، عفو، خدمت به خلق و دیگر فضایل اخلاقی در بالاترین سطح تحقق یافته‌اند. از همین رو، اخلاق نه‌تنها زمینه‌ساز ظهور است، بلکه از ارکان اصلی تمدن مهدوی نیز به شمار می‌رود. قرآن کریم در آیه ﴿**قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا**﴾ (الشمس: ۹) بر ضرورت تزکیه نفس برای رستگاری تأکید دارد؛ این اصل، بنیاد تربیت اخلاقی جامعه منتظر است.

در روایات متعدد، رابطه‌ای مستقیم میان اصلاح اخلاقی جامعه و ظهور برقرار شده است. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «مهدی از فرزندان من است؛ زمین را پر از عدل می‌کند، چنان‌که پر از ظلم شده باشد» (نعمانی، ۱۴۰۳ق). تحقق این عدالت، نیازمند مردمی است که خود نیز اهل عدل، انصاف و کرامت باشند. بنابراین، پیش‌زمینه ظهور، وجود جامعه‌ای

اخلاقی و با آمادگی فرهنگی و معنوی است.

از سوی دیگر، در دوره غیبت، مسئولیت اخلاقی افراد و جوامع افزایش می‌یابد. در نبود حضور ظاهری امام، مردم باید با التزام به آموزه‌های اخلاقی اهل‌بیت(ع)، فضای جامعه را به‌گونه‌ای مدیریت کنند که مسیر برای ظهور هموار شود. بر همین اساس، «انتظار» در اندیشه شیعی صرفاً یک حالت روانی نیست، بلکه مسئولیتی اخلاقی و اجتماعی است که اقتضای آن، اصلاح رفتار فردی، خانواده و جامعه است (جوادی آملی، ۱۳۹۱).

بر اساس منابع روایی، یکی از اهداف بعثت پیامبر اسلام(ص) «تتمیم مکارم اخلاق» معرفی شده است (مفید، ۱۴۱۳ق). این هدف در دوره مهدوی به اوج خود خواهد رسید، زیرا در آن دوران، زمینه‌های تحقق همه‌جانبه مکارم اخلاقی در سطح بین‌المللی فراهم خواهد شد. ازاین‌رو، منتظران واقعی کسانی هستند که هم‌اکنون نیز تلاش دارند تا این ارزش‌ها را در رفتار خود و جامعه جاری سازند.

در مجموع، اخلاق به‌مثابه ستون اصلی جامعه مهدوی، هم بستر ظهور را فراهم می‌کند و هم پس از ظهور، ساخت تمدنی جامعه را حفظ می‌نماید. بدون رشد اخلاقی، هیچ تمدنی پایدار نخواهد بود. بنابراین، هرگونه حرکت تمدنی در مسیر مهدویت، باید با تربیت اخلاقی آغاز شود و با تهذیب و عدالت‌محوری تداوم یابد.

مهدویت و جایگاه اخلاق در منظومه اعتقادی تمدن اسلامی

مهدویت، به عنوان یکی از بنیادهای اساسی در اعتقادات شیعه، ارتباط عمیقی با اخلاق فردی و اجتماعی دارد. نظام اخلاقی منتظرانه، به دنبال تربیت انسان‌هایی است که خود را برای تحقق حکومت عدل جهانی آماده کنند. در آموزه‌های اسلامی، ظهور امام مهدی(عج) نه‌تنها پایانی بر ظلم و بی‌عدالتی، بلکه آغازی بر تمدنی نوین و متکی بر فضائل اخلاقی است.

از منظر قرآن، روز رستاخیز که با نفخه دوم صور آغاز می‌شود، روزی است بسیار دشوار برای کافران:

«**فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ**» (مدثر، ۹–۱۰)

این آیه، با نگاهی بر نفخه دوم صور و بعثت مجدد انسان‌ها، نشان می‌دهد که تنها کسانی در آن روز آسودگی می‌یابند که در دنیا براساس آموزه‌های حق زندگی کرده باشند.

همچنین در آیه ۶۹ سوره زمر آمده است:

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»

طبق روایت امام صادق(ع)، منظور از «نور پروردگار»، ظهور امام زمان(عج) است؛ انسانی الهی که نور عدالت را بر پهنه زمین می‌تاباند و حاکمیت حق را برقرار می‌سازد. در این تفسیر، تربیت اخلاقی مردم نه‌فقط زمینه‌ساز ظهور بلکه بخشی از خود تمدن مهدوی است که در آن حیات طیبه محقق می‌شود.

ویژگی‌های اخلاقی امام مهدی(عج) در روایات اهل بیت(ع)

امام مهدی(عج) به‌عنوان انسان کامل، نمونه متجلی مکارم اخلاق و اسوه تمام‌عیار فضائل انسانی است. از منظر اهل بیت(ع)، شناخت اخلاق آن حضرت و تلاش برای الگوبرداری از ایشان، مقدمه‌ای ضروری برای پیروی حقیقی از ایشان و تحقق جامعه منتظر است.

دسته اول روایات به جامعیت اخلاقی امام مهدی(عج) اشاره دارد. ایشان در طهارت اخلاقی، صداقت، عدالت، صبر، زهد، تواضع و خشوع در برابر خداوند، همانند رسول خدا(ص) و امام علی(ع) معرفی شده‌اند. در تفسیر آیه ۵۵ سوره مائده:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا...»

اشاره شده که مصداق آن، امام علی(ع) و به‌تبع او سایر ائمه، به‌ویژه حضرت مهدی(عج) هستند که حاملان کامل اخلاق الهی‌اند.

در بیانات پیامبر اکرم(ص) آمده است:

«أَحَبُّكُمْ إِلَى اللَّهِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا»

یعنی محبوب‌ترین شما نزد خداوند، نیکوخوترین شماست. و این ویژگی، در بالاترین مرتبه در وجود امام مهدی(عج) تجلی یافته است.

دسته دوم روایات به صفات فردی امام مهدی(عج) همچون زهد، عبادت، تقوا، مقاومت در برابر سختی‌ها، و سادگی زندگی می‌پردازد. ایشان در شدیدترین شرایط، پایداری و صبر را پیشه می‌سازند و در زندگی شخصی نیز اهل قناعت و بندگی خالصانه‌اند. در توصیف آن حضرت آمده است که رکوع و سجودهای طولانی و گریه‌های شبانه ایشان، نشان از عمق معنویت ایشان دارد.

نقش آموزه‌های اخلاقی مهدویت در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، تمدن نوین اسلامی، آرمان نهایی انقلاب اسلامی است و فرهنگ انتظار و مهدویت، مسیر و موتور محرک این آرمان محسوب می‌شود. ایشان بارها تأکید کرده‌اند که انقلاب اسلامی در آغاز راه خود است و باید با هدایت‌گیری از مهدویت، به تمدنی نوین، عادلانه و اخلاق محور ختم شود.

بر اساس این دیدگاه، وظیفه منتظران، تنها دعا برای ظهور نیست، بلکه تلاش همه‌جانبه برای تربیت انسان‌های اخلاقی، تشکیل حکومت صالح، و زمینه‌سازی ظهور از طریق مبارزه با فساد، ظلم، تبعیض و بی‌عدالتی است. رهبری معظم انقلاب در این زمینه می‌فرمایند:

«فرهنگ انتظار، فرهنگی سازنده است. جامعه‌ای که در انتظار حکومت حق به سر می برد، باید در عمل نیز برای آن آمادگی داشته باشد.»

ایشان تمدن غرب را از حیث اخلاق و معنویت، ناکارآمد و شکست‌خورده معرفی کرده و الگوی اسلامی-مهدوی را جایگزینی جامع برای پاسخ‌گویی به نیازهای بشر امروز می‌دانند. آموزه‌های مهدوی می‌توانند در محورهایی چون عدالت اجتماعی، اقتصاد مقاومتی، عدالت اقتصادی، اخلاق عمومی، زیست سالم، و دفاع از مظلومان عالم، نقش مؤثری ایفا کنند.

تربیت اخلاقی و آمادگی برای ظهور

تربیت اخلاقی، فرایندی است که با هدف ارتقای رفتارهای ارزشی انسان، در رابطه با خدا، خود، دیگران و طبیعت سامان می‌یابد و او را به حیات طیبه نزدیک می‌سازد.

جامعه‌ای که منتظر ظهور مهدی موعود است، باید بر اساس ارزش‌های اخلاقی چون صداقت، عدالت، گذشت، نظم، ادب، تعاون و خدمت به خلق، رشد یابد.

از امام صادق(ع) نقل شده است:

المکارمُ عشرةٌ فإنِ استطعتَ أن تکونَ فیکَ فلتکن، قلتُ: وما هی؟ قال: الصِّدقُ، والیقینُ، والقنوعُ، والحیاءُ، وحُسنُ الخُلقِ، والسَّخاءُ، وحُسنُ الجوارِ، وحِفظُ ما هو موجودٌ، والتَّذلُّلُ، والأمانةُ.

این ده ویژگی، پایه‌های اصلی تربیت اخلاقی منتظرانه‌اند. تربیت چنین افرادی، تنها راه زمینه‌سازی واقعی برای ظهور و ساخت تمدن مهدوی است.

تمدن پژوهشی مهدوی

مهدویت به‌عنوان یکی از اعتقادات اساسی در آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه در مکتب تشیع، صرفاً یک باور مذهبی نیست؛ بلکه نظامی معنایی با ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی گسترده است. این نظام اعتقادی، دربردارنده چشم‌اندازی جامع از آینده‌ای مبتنی بر عدالت، صلح، عقلانیت و کمال انسانی است. به همین دلیل، مهدویت ظرفیت آن را دارد که به‌عنوان یک نظریه تمدن‌ساز مورد واکاوی قرار گیرد (حسن‌زاده، ۱۳۹۰). تمدن‌پژوهی مهدویت، دانشی نوین است که با بهره‌گیری از روش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه دین پژوهی، جامعه‌شناسی، تاریخ و فلسفه، به تحلیل ظرفیت‌های تمدن‌ساز اندیشه مهدوی می‌پردازد.

چیستی تمدن‌پژوهی مهدویت

تمدن‌پژوهی مهدویت را می‌توان تلاشی علمی برای کشف و تدوین نظام فکری و اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های مهدوی دانست که هدف آن طراحی الگوی تمدن اسلامی در افق ظهور است. تمدن‌پژوهی در اینجا ناظر به فهم فرآیندها، نهادها، ارزش‌ها و سازوکارهایی است که در عصر ظهور محقق خواهد شد و می‌توان بخشی از آن را پیشاپیش در جوامع منتظر تحقق بخشید (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۶).

بر این اساس، تمدن‌پژوهی مهدوی سعی دارد به پرسش‌هایی بنیادین پاسخ دهد، از جمله: ویژگی‌های تمدن مهدوی چیست؟ چه تفاوت‌هایی با تمدن غربی دارد؟ جایگاه

عقل، علم، عدالت و معنویت در این تمدن چگونه است؟ و نقش منتظران در فراهم‌سازی بسترهای آن چیست؟ پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم تحلیل گفتمان مهدویت در منابع دینی و مطالعه تحولات تاریخی و اجتماعی جوامع اسلامی در پیوند با این اندیشه است.

شاخصه‌های تمدن مهدوی

بر پایه متون اسلامی، به‌ویژه احادیث مربوط به امام مهدی(عج)، شاخصه‌هایی برای تمدن عصر ظهور قابل شناسایی است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها:

۱. عدالت فراگیر: عدالت محوری‌ترین مؤلفه تمدن مهدوی است. در روایات آمده که امام مهدی(عج) زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد (کلینی، ۱۴۰۷هـ‌ق، ج ۱، ص ۳۹۷). این عدالت نه‌فقط در سطح حقوقی و قضایی، بلکه در تمام سطوح اقتصادی، اجتماعی و حتی روانی انسان‌ها تحقق خواهد یافت.

۲. عقلانیت و علم‌گرایی: عصر ظهور، عصری است که در آن عقل‌ها به کمال می رسند و دانش بشری جهشی کم‌نظیر خواهد داشت. بر اساس برخی روایات، "علم بیست و هفت حرف است، دو حرف آن تاکنون آمده و امام مهدی(عج) بیست و پنج حرف باقی مانده را آشکار خواهد کرد" (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۷۷).

۳. معنویت و اخلاق: برخلاف تمدن مدرن که اغلب دچار فروپاشی اخلاقی و بحران هویتی شده، تمدن مهدوی مبتنی بر تعالی اخلاقی و شکوفایی معنوی انسان‌ها خواهد بود. در این دوران، بشر از لحاظ درونی به آرامش و رضایت خواهد رسید و مناسبات اجتماعی بر مبنای محبت، امانت‌داری و صداقت استوار خواهد شد (مطهری، ۱۳۸۱).

٤. وحدت جهانی و نفی سلطه‌گری: امام مهدی(عج) با دعوت جهانی به اسلام و رفع فتنه‌ها، وحدتی جهانی را بر مبنای توحید برقرار می‌سازد. در این ساختار، قدرت‌های استکباری و نظام سلطه که با عدالت، استقلال ملت‌ها و کرامت انسانی در تعارض‌اند، از بین خواهند رفت (جوادی آملی، ۱۳۹۱).

تمدن‌سازی منتظرانه: از آرمان تا اقدام

اندیشه مهدویت، در عین حال که ناظر به آینده‌ای موعود است، نقش راهبردی در وضعیت کنونی نیز دارد. تمدن‌سازی در دوران غیبت، یکی از وظایف کلیدی جامعه منتظر است. این تمدن‌سازی نه به‌معنای تلاش برای تحقق کامل دولت مهدوی، بلکه به‌معنای فراهم‌سازی بسترهای فکری، اخلاقی، علمی و اجتماعی برای آن ظهور نهایی است (عباسی، ۱۳۹۴).

در تمدن‌سازی منتظرانه، دو رویکرد اصلی مطرح است: نخست، تلاش برای تحقق عدالت نسبی در سطوح گوناگون زندگی؛ و دوم، تقویت هویت تمدنی اسلامی در برابر جریان‌های سکولار، لیبرالی و مادی‌گرایانه. انتظار در این رویکرد، به‌جای انفعال، به معنای کنشگری فعال، مسئولیت‌پذیر و تحول‌خواه است.

تمدن مهدوی در تقابل با تمدن مدرن

تمدن مدرن غربی، هرچند دستاوردهای فناورانه عظیمی داشته، اما با بحران‌هایی چون سلطه‌طلبی، استعمار، تخریب محیط زیست، بی‌عدالتی جهانی، فردگرایی افراطی و زوال اخلاق روبه‌روست. در مقابل، تمدن مهدوی با تکیه بر اصول توحید، عدالت، اخلاق، کرامت انسانی و هماهنگی با فطرت انسانی، الگویی متعادل و فراگیر ارائه می‌دهد که نیازهای مادی و معنوی انسان را توأمان پاسخ می‌دهد (نصر، ۲۰۰۲).

این تمدن، در اصل، نسخه الهی یک تمدن آرمانی است که در آن علم در خدمت ارزش‌های الهی قرار دارد و انسان به‌جای ابزار شدن، به‌عنوان هدف خلقت مورد توجه است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش آموزه‌های اخلاقی مهدویت در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی انجام شد و تلاش کرد تا با رویکردی تحلیلی-روایی، از منظومه معارف دینی و به‌ویژه دیدگاه‌های اهل بیت علیهم‌السلام، پیوندی منطقی و عقلانی میان اخلاق، انتظار و تمدن‌سازی برقرار سازد. بر پایه یافته‌های این پژوهش، مهدویت نه صرفاً یک آرمان آخرالزمانی، بلکه مدلی فعال و پویا برای هدایت انسان معاصر و جامعه اسلامی به سوی رشد متعادل، عدالت‌محور و معنویت‌گرا است.

در آموزه‌های مهدوی، اخلاق جایگاهی بنیادی دارد. آن‌گونه که در روایات آمده، امام مهدی(عج) آیینه تمام‌نمای اخلاق نبوی و علوی است. ایشان نه‌تنها در بعد فردی نمونه‌ای از تواضع، زهد، عبادت، صداقت و امانت‌داری است، بلکه در بُعد اجتماعی نیز نماد عدالت، مهربانی، تدبیر، و صلح جهانی تلقی می‌شود. چنین سیمایی از امام، نشان می‌دهد که مهدویت و اخلاق در بطن یکدیگر تنیده‌اند و هرگونه تلاش برای زمینه‌سازی ظهور، بدون اهتمام جدی به اخلاق فردی و اجتماعی، بی‌نتیجه خواهد بود.

از سوی دیگر، قرآن کریم نیز با اشاره به آیاتی چون «**وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا**» (زمر: ۶۹) و «**فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ**» (مدثر: ۹)، فضایی را ترسیم می‌کند که در آن، حق و عدالت به اوج می‌رسند. مطابق روایات اهل بیت، این نور الهی همان ظهور حضرت مهدی(عج) است که سراسر زمین را به نور توحید و عدالت روشن می‌کند. این بدان معناست که تحقق حیات طیبه، که مطلوب نهایی زندگی مؤمنانه است، جز در سایه ظهور و حاکمیت اخلاقی ممکن نیست.

نقش اخلاق در تمدن‌سازی نیز بُعد دیگری از یافته‌های این پژوهش را تشکیل می‌دهد. اگر تمدن را مجموعه‌ای از نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بدانیم که در بستر یک چارچوب فکری و ارزشی معنا می‌گیرند، ناگزیر باید اذعان کرد که اخلاق، رکن اساسی این بستر است. تمدنی که بر پایه منفعت‌طلبی، خودمحوری و مصرف‌زدگی شکل گرفته باشد - همانند تمدن مدرن غربی - دیر یا زود به بحران‌های درونی و فروپاشی

اخلاقی دچار می‌شود. تمدن نوین اسلامی برخلاف آن، بر اخلاق وحیانی و ارزش‌های الهی مبتنی است و مهدویت نقش الگویی و الهام‌بخش در آن دارد.

از این منظر، فرهنگ انتظار به‌عنوان یکی از برترین ابزارهای تربیتی در جامعه اسلامی شناخته می‌شود. انتظار واقعی، نه انفعال و کناره‌گیری از مسئولیت‌ها، بلکه تلاش برای اصلاح نفس، احیای امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با فساد و آماده‌سازی بسترهای فرهنگی و اخلاقی برای ظهور است. انسان منتظر، باید انسانی مؤمن، متعهد، اخلاق‌مدار و دغدغه‌مند نسبت به سرنوشت جامعه باشد. چنین فردی، در راستای تربیت دینی فرزندان، سلامت اقتصادی جامعه، عدالت آموزشی و مقابله با تبعیض اجتماعی، نقش فعال ایفا می‌کند و در پی تحقق حاکمیت جهانی عدالت است.

از رهگذر این پژوهش روشن شد که آموزه‌های اخلاقی مهدویت، نقشی بنیادین در گذار از جامعه دینی به جامعه تمدنی ایفا می‌کنند. اخلاق مهدوی، نه‌فقط ناظر به اصلاح فرد و تهذیب نفس است، بلکه مبنایی برای بازآفرینی روابط اجتماعی بر پایه عدالت، صداقت و کرامت انسانی به‌شمار می‌رود. در واقع، فرد منتظر زمانی به‌طور کامل معنا می یابد که رفتار و کنش اخلاقی او در خدمت اصلاح جامعه و تحقق ارزش‌های الهی باشد. چنین نگرشی، مهدویت را از سطح یک باور صرفاً اعتقادی فراتر برده و به مدلی کارآمد برای بازسازی فرهنگی و تمدنی بدل می‌سازد.

از سوی دیگر، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تمدن نوین اسلامی در پرتو مهدویت، بر سه محور اساسی استوار است: رشد معرفتی، تعالی اخلاقی و عدالت اجتماعی. این سه مؤلفه در تعامل با یکدیگر، ساختار فکری و عملی جامعه را به‌گونه‌ای سامان می‌دهند که زمینه‌ساز ظهور و حاکمیت عدل الهی گردد. در این مسیر، نهادهای آموزشی، فرهنگی و رسانه‌ای باید با الهام از آموزه‌های اخلاقی مهدوی، در تربیت انسان‌های مؤمن، خلاق، و مسئولیت‌پذیر نقش فعال ایفا کنند. چنین انسان‌هایی سرمایه‌های اصلی برای شکل‌گیری تمدن اسلامی و حفظ پویایی آن خواهند بود.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که تحقق تمدن نوین اسلامی، بدون نهادینه‌سازی اخلاق مهدوی در تمامی عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی ممکن نخواهد بود. اخلاق

در اندیشه مهدوی، روح حاکم بر تمامی نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و می‌تواند الگوی نوینی از پیشرفت معنوی و انسانی ارائه دهد. بر این اساس، پژوهش‌های آتی در حوزه تمدن‌پژوهی مهدویت باید به تبیین سازوکارهای عملی تحقق این اخلاق تمدنی بپردازند تا مسیر حرکت جامعه اسلامی به‌سوی ظهور، عقلانی‌تر، نظام‌مندتر و پایدارتر گردد.

از جمله نکات راهبردی در این پژوهش، توجه به فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره نقش مهدویت در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است. معظم‌له، با تأکید بر ضرورت آمادگی معرفتی، عملی و اخلاقی برای ظهور، بیان می‌دارند که تمدن اسلامی در دوران معاصر، باید گام به گام از مرحله انقلاب، تشکیل دولت اسلامی، جامعه اسلامی و در نهایت تمدن اسلامی عبور کند. در این سیر تحول، فرهنگ انتظار و اخلاق مهدوی نقش زیربنایی دارند. به‌بیان دیگر، تمدن مهدوی نه‌تنها نقطه نهایی و کمال تمدن اسلامی است، بلکه هدف‌گذاری اصلی حرکت انقلاب اسلامی نیز محسوب می‌شود.

در مجموع، این پژوهش بر اهمیت محوری اخلاق در تفکر مهدوی تأکید دارد. اخلاق، هم ابزاری برای نزدیک‌شدن به ظهور است و هم جوهره اصلی تمدن پس از ظهور. بر این اساس، تربیت انسان‌های منتظر باید نه‌فقط بر شعائر و مناسک، بلکه بر سلوک اخلاقی و خودسازی فردی و اجتماعی متمرکز باشد. تنها در چنین شرایطی است که جامعه اسلامی می‌تواند شایستگی میزبانی از حکومت عدل جهانی را بیابد.

تمدن‌پژوهی مهدویت، عرصه‌ای نوین در مطالعات اسلامی است که با رویکردی نظام مند به تحلیل آینده تمدنی مبتنی بر ظهور حضرت مهدی(عج) می‌پردازد. این تحلیل، تنها به آینده‌ای دور نظر ندارد، بلکه راهبردهایی برای زندگی امروز جامعه اسلامی نیز فراهم می‌آورد. با بازشناسی مؤلفه‌های تمدن مهدوی، می‌توان به طراحی الگوهایی برای تمدن سازی در دوران غیبت پرداخت که هم‌راستا با ارزش‌های مهدوی و هم پاسخگوی نیازهای معاصر باشد. بدین‌ترتیب، تمدن مهدوی به‌جای یک رؤیای دوردست، به افقی برای حرکت اکنون تبدیل می‌شود؛ افقی که با عقل، عدالت، معنویت و مسئولیت‌پذیری ترسیم شده است.

افزون بر این، تمدن‌پژوهی مهدویت می‌تواند به‌عنوان بستری مفهومی برای بازتعریف نسبت دین و جامعه در دنیای معاصر عمل کند. تحلیل عالمانه و واقع‌بینانه از آموزه‌های مهدوی، نه‌تنها امکان ایجاد امید اجتماعی و انسجام فرهنگی را در جوامع اسلامی فراهم می‌کند، بلکه می‌تواند مبنایی نظری برای سیاست‌گذاری فرهنگی، تربیتی و حتی اقتصادی قرار گیرد. در نهایت، پژوهش در حوزه تمدن‌سازی مهدوی باید با تکیه بر منابع اصیل دینی و تعامل با دانش‌های انسانی معاصر گسترش یابد تا بتواند نقش عملی در فرآیند احیای تمدن نوین اسلامی ایفا کند و جامعه اسلامی را به سوی ظهور عقلانی، تدریجی و پایدار هدایت نماید.

در پایان، می‌توان چنین نتیجه گرفت که آموزه‌های اخلاقی مهدویت، ظرفیت عظیمی برای احیای تمدنی مبتنی بر عدالت، معنویت، و کرامت انسانی دارند. این آموزه‌ها، با ریشه داشتن در منابع اصیل اسلامی و تکیه بر شخصیت والای امام مهدی(عج)، نه‌تنها به رفع بحران‌های اخلاقی و هویتی انسان معاصر کمک می‌کنند، بلکه افق روشنی برای ساخت آینده‌ای بهتر در مقیاس جهانی ترسیم می‌نمایند. رسالت امروز منتظران، آن است که با ایمان، معرفت، اخلاق و عمل صالح، خود را بخشی از این فرآیند الهی بدانند و با تمام توان، در مسیر تحقق جامعه مهدوی و تمدن نوین اسلامی گام بردارند.

فهرست منابع

القرآن الکریم.

۱. الکلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

۲. الطبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۰ق). مکارم‌الأخلاق. قم: نشر شریف رضی.

۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۴. سید رضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹). نهج‌البلاغه. ترجمه و شرح محمد دشتی. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع).

۵. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان (جلدهای مربوطه). تهران: دفتر نشر اسلامی.

۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۴۰۵ق). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

۷. امام سجاد (ع). (بی‌تا). الصحیفهٔ السجادیهٔ. ترجمه حسین انصاریان. قم: دارالبلاغهٔ.

۸. خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۳). انسان ۲۵۰ ساله. تهران: نشر انقلاب اسلامی.

۹. خامنه‌ای، سید علی. (بی‌تا). بیانات مقام معظم رهبری درباره مهدویت، انتظار و تمدن نوین اسلامی. برگرفته از: www.leader.ir

۱۰. کارگر، رحیم. (۱۳۹۳). انتظار در اندیشه اسلامی. قم: بوستان کتاب.

۱۱. صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۸۹). امام مهدی(عج) در آینه روایات. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۵). اخلاق اسلامی؛ مبانی و مفاهیم. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره).

۱۳. دفتر نشر معارف انقلاب اسلامی. (۱۳۹۶). تمدن نوین اسلامی و الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی. تهران: نشر معارف انقلاب.

۱۴. حسن‌زاده، محمد. (۱۳۹۰). تمدن اسلامی و مهدویت. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱۵. رحیم‌پور ازغدی، حسن. (۱۳۹۶). مهدویت و تمدن‌سازی نوین اسلامی. تهران: انتشارات بین‌الملل.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۳۹۵). کمال‌الدین و تمام‌النعمهٔ (ترجمه و شرح مهدویت). قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ هـق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱). آینده بشر از دیدگاه اسلام. تهران: صدرا.
۱۹. عباسی، سعید. (۱۳۹۴). تمدن منتظرانه در اندیشه مهدوی. تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پژوهی.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱). حکومت جهانی حضرت مهدی(عج). قم: مرکز نشر اسراء